



دیپلماسی

قسمت سوم

وجوه دیگر این هدف بزرگ نیز در سخنان و پیامهای امام به روشنی تبیین گردیده و هدف نهایی انقلاب اسلامی و وظایف دستگناه سیاست خارجی نظام جمهوری اسلامی ایران، تشریح شده است. بمنظور تأکید به جملات دیگری از خمینی کبیر (س) اشاره می‌گردد:

«البته ما این واقعیت و حقیقت را در سیاست خارجی و بین الملل اسلامیمان بارها اعلام نموده‌ایم که در صدد گسترش نفوذ اسلام در جهان و کم کردن سلطه جهانخواران بوده و هستیم. حال اگر نوکران آمریکانام این سیاست را توسعه طلبی و تفکر تشکیل امپراطوری بزرگ می‌گذارند از آن با کسی نداریم و استقبال می‌کنیم. ما در صدد خشکانیدن ریشه‌های فاسد صهیونیزم، سرمایه‌داری و کمونیزم در جهان هستیم. ما تصمیم گرفته‌ایم به لطف و عنایت خداوند بزرگ، نظامهایی را که بر این سه پایه استوار گردیده‌اند نابود کنیم و نظام اسلام رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم را در جهان استکبار ترویج نمائیم و دیر یا زود ملت‌های درینند، شاهد آن خواهند بود.»

(پیام استقامت - ۶۷/۴/۲۹)

«جمهوری اسلامی ایران نباید تحت هیچ شرایطی از اصول و آرمانهای مقدس و الهی خود دست بردارد. ان شاء الله مردم سلحشور ایران، کینه و خشم انقلابی و مقدس خویش را در سینه‌ها نگه داشته و شعله‌های ستم سوز آن را علیه

شوروی جنایتکار و آمریکای جهانخوار و اذنان آنان به کار خواهند گرفت تا به لطف خداوند بزرگ پرچم اسلام ناب محمدی صلی الله علیه وآله وسلم بر بام همه عالم قد برافرازد و مستضعفان و پابرهنگان و صالحان، وارثان زمین گردند.»

(۶۷/۷/۱۱)

«مسئولان ما باید بدانند که انقلاب ما محدود به ایران نیست. انقلاب مردم ایران نقطه شروع انقلاب بزرگ جهان اسلام به پرچمداری حضرت حجت‌ارواحنا فداه. است که خداوند بر همه مسلمانان و جهانیان منت نهد و ظهور و فرجش را در عصر حاضر فرار دهد. مسائل اقتصادی و مادی اگر لحظه‌ای مسئولین را از وظیفه‌ای که بر عهده دارند منصرف نکند، خطری بزرگ و خیانتی سهمگین را به دنبال دارد. باید دولت جمهوری اسلامی تمامی سعی و توان خود را در اداره هر چه بهتر مردم بنماید ولی این بدان معنا نیست که آنها را از اهداف عظیم انقلاب که ایجاد حکومت جهانی اسلام است، منصرف کند.»

(۶۸/۱/۲)

«به شما برادران مؤمن عرض می‌کنم اگر ما با دست جنایتکار آمریکا و شوروی از صفحه روزگار محو شویم و با خون شرح شرافتمندانه با خدای خویش ملاقات کنیم، بهتر از آن است که در زیر پرچم ارتش شرح شرق و سیاه غرب، زندگی اشرافی مرده داشته باشیم و این سیره و طریقه انبیاء عظام و ائمه مسلمین و بزرگان دین

مبین بوده است و ما باید از آن تبعیت کنیم.»

(وصیتنامه سیاسی الهی)

«شما ای مستضعفان جهان و ای کشورهای اسلامی و مسلمانان جهان بپاخیزید و حق را با چنگ و دندان بگیرید و از هیاهوی تبلیغاتی ابرقدرتها و عمال سرسپرده آنان نترسید و حکام جنایتکار که دسترنج شما را به دشمنان شما و اسلام عزیز تسلیم می‌کنند از کشور خود برانید و خود و طبقات خدمتگزار متعهد، زمام امور را به دست بگیرید و همه در زیر پرچم پرافتخار اسلام مجتمع و با دشمنان اسلام و محرومان جهان به دفاع برخیزید و به سوی یک دولت اسلامی با جمهوریهای آزاد و مستقل به پیش روید که با تحقق آن، همه مستکبران جهان را به جای خود خواهید نشاند و همه مستضعفان را به امامت و وراثت ارض خواهید رساند. به امید آن روز که خداوند تعالی وعده فرموده است.»

(وصیت نامه سیاسی الهی)

بر هیچکس پوشیده نیست که صاحب اندیشه‌ای اینچنین، رهبری انقلاب اسلامی را بر عهده داشته و هم او نظام جمهوری اسلامی ایران را با چنین هدفی بنیان نهاده است. تداوم خط امام، پویایی انقلاب اسلامی و حیات حقیقی نظام جمهوری اسلامی ایران ممکن نیست مگر به پیگیری این هدف. تمامی برنامه‌ها و سیاستهایی که در این کشور طراحی و به مورد اجرا گذاشته می‌شود و یا در دیگر کشورهای جهان با نام و نشان انقلاب و

نظام اسلامی معرفی می گردد می بایست نشانگر این معنا باشد که به چه میزان محرومین و مستضعفین و مسلمانان جهان را به این هدف نزدیک می نماید. ذکر این اصل لازم به تکرار نیست که در یک سیستم، مسائل سیاست داخلی و خارجی، امور اقتصادی، قوانین و مقررات اجتماعی، قواعد و دستورالعملهای نظامی، اقدامات فرهنگی و... از یکدیگر جدا نیستند و پیگیری این هدف در سیاست خارجی، پیاده کردن اصول سیاست داخلی، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی سیستم حکومتی اسلام ناب محمدی (ص) مبتنی بر فرامین و رهنمودهای امام خمینی (س) را می طلبد. این نکته بدین جهت مرتباً تکرار می شود تا معلوم گردد که انتظار ما از دستگاه سیاست خارجی کشور این نیست که وقتی مثلاً سیاستهای اقتصادی سرمایه داری در داخل کشور پیاده می شود، پیگیر سیاست خارجی انقلابی باشند. این امر گذشته از ناممکن بودن موجبات وهن و استهزاء نسبت به ساحت مکتبمان را فراهم می آورد و حتی صحت و صلابت آن اصول و معیارهای امام در سیاست خارجی را دچار تردید می سازد. بگذریم

سخن پیرامون اصول سیاست خارجی از دیدگاه امام خمینی (سلام الله علیه) می باشد و تبیین این نکته که برای پیاده کردن هدفی که شرح آن رفت، امام خمینی (س) تا کتیکها و روشهایی نیز مشخص ساخته اند یا خیر؟ اگر پاسخ مثبت است، این روشها و تا کتیکها و آن دیپلماسی مبتنی بر این دکترین کدامست؟

برای پیاده کردن اهداف یک سیستم یا یک حکومت در سیاست خارجی، آنچه در وهله اول جلب نظر می نماید «وزارت امور خارجه» یا به تعبیری «دستگاه دیپلماسی کشور»، می باشد. اما نکته ای که در این

رابطه و در همین بدو امر باید تعریف گردد و حدود آن دقیقاً معلوم شود همین کلمه «دیپلماسی» است. اینکه «دیپلماسی» چیست؟ آیا یک وسیله است برای هر سیستم فکری و حکومتی یا آنکه وسیله ای تعریف شده در یک نوع سیستم فکری و حکومتی خاص با اهداف معین و مشخص؟ آن وقت پس از پاسخگویی به این سؤالات بر ما معلوم می گردد که تحت چه شرایط و ضوابطی می توان از «دیپلماسی» در سیستم اسلام ناب محمدی (ص) سود جست.

این تعریف در مورد هدف فعالیت‌های دیپلماتیک در روابط بین المللی تقریباً عمومیت دارد که:

«هدف فعالیت‌های دیپلماسی در روابط بین المللی دائماً باید این باشد که: دشمن بالفعل به دشمن بالقوه و دشمن بالقوه به مخالف بالفعل و مخالف بالفعل به مخالف بالقوه و مخالف بالقوه به دوست بالقوه و دوست بالقوه به دوست بالفعل تبدیل گردد».

البته اگر این هدف را برای فعالیت‌های دیپلماسی اصل بدانیم نمی توان از آن برای هر سیستم و خط فکری استفاده نمود. مثلاً اگر بخواهیم این مشی را در سیاست خارجی نظام جمهوری اسلامی ایران پیاده کنیم لابد اسرائیل و افریقای جنوبی و آمریکا، که دشمنان بالفعل انقلاب و نظام ما محسوب می گردند با دیپلماسی آشکار و پنهان طی مسیری و با گذشت مدت زمانی با حفظ اصولشان به شکلی دیپلماتیک دوست بالفعل ما خواهند شد! و آن وقت ما هم مدعی حفظ اصول خود باشیم!!؟ آنها اصولی که شامل هدم اسرائیل و آدم شدن آمریکا و نابودی رژیم آپارتاید در افریقای جنوبی هستند.

اما این تعریف از دیپلماسی که یک سلسله قواعد و مقررات جهت ارتباط با کشورها و دولت‌های غیرمتخاصم ضمن حفظ

اصول و ارزشهاست، این تعریف پذیرفته شده است. پس مناسب است این سخن امام را تعریف این نوع دیپلماسی بدانیم که:

«اسلام در بُعد سیاسی، کشورها را در همه زمینه ها، بدون تثبیت به دروغ و خدعه و توطئه های فریبنده به اداره و تثبیت حکومت سالم هدایت می کند و روابط را با کشورهای دیگری که به زیست مسالمت آمیز و خارج از ظلم و ستمکاری متعهد هستند، محکم و برادرانه می کند».

بنابراین تعبیر دیپلماسی را در این دیدگاه باید اینگونه دید که قواعد و مقرراتی جهت ارتباط با دولت‌های غیرسلطه گر و خواهان زیست مسالمت آمیز واقعی. حال با توجه به اینکه قواعد و مقررات دیپلماسی جاری و ساری در جهان کنونی مبتنی بر اصول و معیارهای غربی و با ارزشهای مادپرگرای تدوین گردیده است فلذا برای بکارگیری آنها می بایست منطبق بر اصول مکتب (اسلام ناب محمدی «ص») چارچوبها و ضوابطی را طرح ریزی نموده و به مورد اجرا گذاشت. به عنوان مثال از جمله مواردی که در همه برخوردهای سیاسی و دیپلماتیک می بایست از سوی مسئولین و کارگزاران دستگاه سیاست خارجی نظام مراعات گردد اینست که:

«من باز می گویم: همه مسئولان نظام و مردم ایران باید بدانند که غرب و شرق تا شما را از هویت اسلامیتان به خیال خام خودشان بیرون نبرند، آرام نخواهند نشست؛ نه از ارتباط با متجاوزان خشنود شوید و نه از قطع ارتباط با آنان، رنجور همیشه با بصیرت و با چشمانی باز به دشمنان خیره شوید و آنان را آرام نگذارید که اگر آرام گذارید، لحظه ای آرامستان نمی گذارند».

اعتقاد و عمل به این اصل باعث برخورد اصولی مسئولین و نیز دیپلمات‌های جمهوری

در حال حاضر نیازی به نفت خلیج فارس ندارند ولی بررسی‌ها و حجم ذخایر و مشکلات استخراج در این کشور نشان می‌دهد که شوروی نیز در آینده یکی از محتاجان نفت خلیج فارس هم برای صنایع نظامی و هم برای تولید انرژی و صنعت خود خواهد بود، بنابراین شوروی نیز در جستجوی جای پائی در خلیج فارس برای تأمین انرژی آینده خود می‌باشد.

یکی از اهداف شوروی هدف امنیتی است، شوروی برای برقراری امنیت مرزهای جنوبی اش کشور ایران و سواحل خلیج فارس را جزء حاشیه امنیتی خود می‌داند و لذا حفظ امنیت خلیج

فارس را امری ضروری می‌داند. کمابست که در جریان لشکرکشی غرب به خلیج فارس چه در دوران جنگ عراق علیه ایران و چه در جریان بحران کویت موضع این کشور موضع پرهیز از درگیری نظامی در منطقه بود و غیرنظامی شدن خلیج فارس و جستجوی راه حل‌های مسالمت‌آمیز و توسل به راه حل‌های سازمان ملل را مرتباً توصیه نمود، نزدیکی شوروی به خلیج فارس تأکید می‌کند که منطقه باید غیرنظامی باشد و این امر را شوروی اعلام نموده است.

شوروی بمنظور تضمین امنیت خود و ممانعت از حضور نیروهای رقیب در ایران در

شرایطی که بعد از جنگ جهانی اول خود در موضع قدرت بوده و دولت ایران در موضع ضعف قرار داشت اقدام به انعقاد عهدنامه مودت مابین ایران و روسیه نمود و بر اساس این عهدنامه که در ۲۶ فوریه ۱۹۲۱ در مسکو به امضاء رسید شوروی برای خود حق تجاوز نظامی به ایران را به بهانه دفاع از خود در شرایط وجود نیروی ثالث تهدید کننده در خاک ایران محفوظ داشت مواد پنج و شش عهدنامه شرح ذیل است:

ادامه دارد

بقيه از دیپلماسی

اسلامی ایران در مواجهه با دولتها، و دیپلماتهای دیگر کشورها، خواهد شد. برای توضیح بیشتر درباره اصل فوق صرفاً به یکی دیگر از کلمات امام خمینی اشاره می‌گردد:

«نکته مهمی که همه ما باید به آن توجه کنیم و آن را اصل و اساس سیاست خود با بیگانگان قرار دهیم اینست که دشمنان ما و جهانخواران تا کی و تا کجا ما را تحقّل می‌کنند و تا چه مرزی استقلال و آزادی ما را قبول دارند. به یقین آنان مرزی جز عدول از همه هوینها و ارزشهای معنوی و الهی ما نمی‌شناسند.»

(۶۷/۴/۲۹)

اگر چنین دیدگاهی محور سیاست‌گذارها قرار نداشته باشد، دستگاه سیاست خارجی کشور دائماً در حالت انفعال نسبت به برخوردهای از موضع اصولی دولتهای شرقی و غربی بسر خواهد برد و باید هر لحظه در انتظار تحقیر هر چه بیشتر اصول و ارزشهای مکتب و انقلاب و نظام خویش باشیم. و اگر بخواید اصول اسلام ناب محمدی (ص) محور سیاستها قرار گیرد، لاجرم می‌بایست در هر آنچه که امروزه تحت عنوان «عرف دیپلماسی» مبتنی بر ارزشهای مادپرگرای رایج و متداول است تجدید نظری اساسی نمود

تکلیف ما چیست؟

امام فرمودند: «نیاید شرکت بکنند و دلیل آن را هم بگویند که برای این جهت است که شرکت نمی‌کنند.»

در موردی دیگری از سفراء نوشته بود که: در بعضی مجالس که ما دعوت می‌شویم مشروبات الکلی وجود دارد و اگر ما نپذیریم و نرویم حمل بر چیزهای دیگر می‌شود و مشکلاتی در روابط پیش می‌آید.

حضرت امام فرمودند: «به جهتم. نیاید از این چیزها بترسند. نیاید برونند، دلیلش را هم بگویند تا آنها کم کم بفهمند برای چیست.»

(پاسدار اسلام شماره ۱۰۴ صفحه ۳۰)

وقتی دیپلماتهای نظام اسلامی در برخوردهایشان با امور روزمره حوزه مأموریت خویش اینگونه باشد آن وقت تأثیر، گسترش و کاربرد برخورد مکتبی رهبر آن نظام با مسأله‌ای همچون اعلام حکم اعدام نویسنده مرتد کتاب کفرآمیز آیات شیطانی بسیار بیشتر خواهد شد. البته واضح است که اینگونه اقدامات با دیپلماسی موجود در جهان تعارض دارد و همه نکته همین جاست که اصل کدامست دیپلماسی موجود در جهان یا پایبندی به اصول و ارزشهای مکتبی و انقلابی ما؟

ادامه دارد

و خودمان قواعد و مقرراتی مکتبی را تحت هر عنوان ولو «دیپلماسی اسلامی» یا «دیپلماسی انقلابی»، و بنا... پایه‌ریزی کرده و به جهانیان معرفی نمائیم. میزان موفقیت ما در این راه رابطه‌ای مستقیم با استقامت و پایبندی ما به این قواعد و مقررات یا به اصطلاح اصول دیپلماسی حاکم بر ارتباط با دولتهای جهان دارد.

بحمدالله در این زمینه نیز از امام اوامر و نواهی مشخص و تعیین کننده‌ای وجود دارد که می‌تواند به عنوان خطوط کتبی و دستورالعمل دائمی، ملاک عقیده و عمل «دستگاه دیپلماسی کشور» قرار گیرد. ذکر چند نمونه در این مقال، یاد آور نمونه‌های فراوانی از این دست خواهد بود. توجه کنید: «یکی از مسئولین وزارت خارجه (از امام خمینی «س») سؤال کرده بود:

در مورد سفراء و نمایندگان جمهوری اسلامی در خارج همانگونه که در مناسبتها و مراسم مربوط به خودمان از دیگران دعوت می‌شود، آنها نیز برای مراسمشان از نمایندگان ما دعوت می‌کنند و اگر نمایندگان ما در مراسم آنها شرکت نکنند آنها نیز در مراسم ما شرکت نمی‌کنند. اشکال اینست که در مراسم و جلسات آنها، مشروبات الکلی و... هست آیا